

# رانتیریسیم، بستر بیعدالتی



دکتر محمود جامساز



● مارکس، مالکیت خصوصی را منشا فقر و بلندی و تنهایی بشر می‌داند.



● مدینه فاضله افلاطون، ناظر بر بر حکومت نخبگان است.

بشر در گذر زمان و گستردگی نیازها طی هزاران سال تحولات شگرفی را تجربه کرده و جوامع به سمت تکامل پیشرفته‌اند. بی‌شک، رمز دوام و تکامل جوامع را باید در نوع نظام حقوقی و قانونی حاکم بر روابط و کنش‌های متقابل آحاد درون جوامع جستجو کرد، زیرا انتظام اجتماعی، متصل به نظم حقوقی و حکومت قانون است، یعنی متکی به نظامی است که در آن، حقوق طبیعی و فطری آحاد بشر به درستی تعریف، حفظ و صیانت شود، زیرا تأمین نیازهای بشری مستلزم تبادل نیازهای مختلف و متنوع آنان است. از منظر علم اقتصاد، اگر کلیه نیازهای بشری را - اعم از نیازهای فیزیکی، روحی و روانی - کالا بنامیم، باید بپذیریم که مبادله کالا از ارکان مهم زندگی و رمز پیشرفت بشر بوده است که مستلزم شناخت حقوق طبیعی بشر مانند حق

**انتظام اجتماعی، متصل به نظم حقوقی و حکومت قانون است.**

**بحث ۱) پدیداری نهاد دولت**  
انسان، موجودی است به شدت نیازمند و به همین سبب، اجتماعی است، زیرا نیازهای متنوع خود شامل نیازهای اولیه و ثانویه را که در رابطه با تنازع بقا و تأمین دیگر نیازهای جسمانی و روحانی وی تعریف می‌شوند، تنها در ارتباط با دیگران باید پی‌گیرد. بدین لحاظ، کنش‌های متقابل انسان‌ها مبتنی بر نوع و شیوه تأمین نیازهای آنان است. از آنجایی که انسان یک موجود عقلانی است، لذا عموماً در تلاش است تا نیازهای خود را با کمترین هزینه و با بیشترین فایده تأمین نماید. نگاهی اجمالی به پیشینه تاریخ بشر نشان می‌دهد که بشر چگونه مراحل غارنشینی عصر سنگ تا به امروز را که به یک شهروند تبدیل شده، پیموده است. بدیهی است که زندگی اجتماعی

● تاریخ تمدن، آینه گذار از دوران غار نشینی به دوران شهرنشینی است.



افلاطون می زیسته‌اند، مالکیت خصوصی را منشأ شر و پلیدی و تباهی بشر می دانستند. کمونیست‌ها، مالکیت حکومت را که به مالکیت عمومی تعبیر می‌شد، از لوازم حکومت و توزیع عادلانه ثروت و رفع اختلاف و تضاد طبقاتی دانسته و جامعه آرمانی بی طبقه را به رهبری پرولتاریا تصویر می‌کردند. در بین این دو طیف افراطی، نحله‌های فکری دیگری از سوی فیلسوفان، جامعه‌شناسان و اقتصاد دانان معطوف به رابطه دولت (حکومت) با مالکیت و به‌بیانی دیگر، جایگاه دولت در اقتصاد، پدید آمده که اساس شکل‌گیری انواع نظام‌های حکومتی (Governments Systems) طی تاریخ بشر قرار گرفته است.

در ادبیات سیاسی، بازوی اجرایی حکومت‌ها نیز دولت (State) نامیده شده است که زیرمجموعه حکومت است و بیشتر در حکومت‌های دموکراتیک مصداق دارد. در ایران نیز "دولت" به‌عنوان قوه مجریه تعریف شده که بخشی از حاکمیت، یعنی نظام جمهوری اسلامی ایران است.

#### بحث ۲) مداخلات دولت در اقتصاد

با ذکر مقدمه نسبتاً طولانی فوق، باید پذیرفت که یکی از عوامل مهمی که دولت‌ها یا حکومت‌ها را از یکدیگر متمایز می‌سازد، همانا نقش و میزان مداخلات آنان در اقتصاد است. هرچه دخالت دولت در اقتصاد افزایش یابد، به معنای کاهش رقابت‌پذیری و بهره‌وری و تضعیف بخش خصوصی است، زیرا بخش خصوصی همواره بر

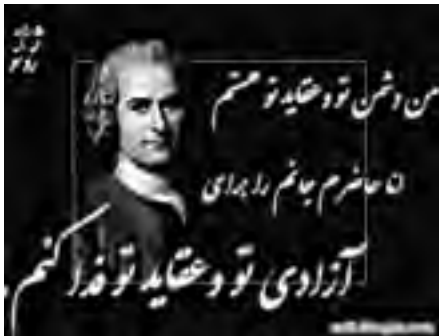
نمی‌توان منکر شد که درخت فساد، ریشه دوانده و گروه‌های رانتی، در جای جای سرمایه‌داری دولتی ما به شدت فعالند.



مالکیت، حق انتخاب و آزادی است، اما شناخت این حقوق فقط در سایه استقرار نظم حقوقی و قانونی امکان‌پذیر است.

طبیعتاً استقرار نظم حقوقی، بدون ایجاد "نهادی" که متولی آن باشد، امکان‌پذیر نبوده. بدین منظور، جامعه ناگزیر می‌باید از بخشی از حقوق خود صرف‌نظر کند و آن را به تشکیلات جدید واگذار کند، تا آن نهاد بتواند با برقراری نظم و اعمال قانون، حقوق و عنوان مالکیت اموال شخصی آحاد جامعه را مورد حفاظت و احترام قرار دهد و امنیت مالی و جانی و دفاع از محدوده سرزمینی را به عهده بگیرد. از این رو، در جوامع کم‌کم نهاد دولت تبلور یافت. جان لاک حقوق افراد را به گستره دامنه طبیعت تعبیر می‌کند و حق مالکیت را مقدم بر پیدایش و تکامل حکومت‌ها (Governments) می‌داند. وی معتقد است که حکومت‌ها باید به‌منظور تأمین حقوق طبیعی و فطری بشر مانند حق آزادی و استقرار امنیت،

عدالت و رفاه جوامع و صیانت از حقوق مالکیت خصوصی، از سوی مردم برگزیده شوند. حکومت آرمانی یا مدینه فاضله افلاطون هم ناظر بر حکومتی است که از نخبگان و برگزیدگان جامعه تشکیل یافته، به اعتقاد وی، حکومت نباید مالک چیزی باشد، اما نیازهای آن باید از سوی جامعه تأمین شود تا بدون دغدغه، به وظیفه‌کشور داری و استقرار صلح و تأمین امنیت و خیر و صلاح جامعه بپردازد. این نظریه درست در تقابل و تغایر با نگاه ژان ژاک روسو و مارکس نسبت به دولت و مالکیت است. هر دو متفکر اخیرالذکر که قرن‌ها پس از



دراختیار حاکمیت بوده و ماده سیال درون این شریان، دل‌رهایی است که از بطن ذخایر نفتی سرچشمه گرفته و ساختار اقتصادی کشور را بر مبنای وجوه حاصل از خام فروشی (نفت و گاز) شکل داده است.

### گسترده‌گی رانتیریسیم، بستگی به انواع حکومت‌ها و میزان دسترسی آنها به منابع ثروت ملی دارد.

بحث ۴) ساختار اقتصاد نفتی - رانتی  
این ساختار اقتصاد نفتی به دو بخش رانتی به‌ظاهر مجزا، ولی بهم مرتبط تقسیم می‌شده. بخش نخست ساختار رانتی، بوروکراسی دولتی است که ریشه‌های آن در حاکمیت و گستره آن در ابعاد دولت به‌عنوان بخشی از حاکمیت دیده می‌شده که فعل و انفعالات این رانت عظیم را می‌توان در اغلب معاملات ریز و درشت دولتی، مناقصه‌ها، مزایده‌ها و قراردادهای داخلی و خارجی پیگیری کرد. از انعقاد اولین قرارداد نفت، رانت دولتی ابعاد گسترده‌ای یافت. بخشی از سهم نفت به‌عنوان تیول و مستمری در اختیار خواص قرار گرفت تا بخش عمده‌تر بدون معارض در اختیار اقتصاد سلطه حکومتی قرار گیرد. بنیه مالی و رانت دولتی منشأ انجام معاملات فسادآمیزی شد که تعادل اقتصادی و ثروت را به نفع عده قلیلی بهم می‌زد.

بخش دیگر ساختار رانتی سوداگر، بخش خصوصی وابسته است که آنها نیز غیرمستقیم از دل‌رهایی نفتی منتفع شده و شبکه‌های سوداگری گسترده‌ای را تشکیل می‌دادند. بانک‌ها و مؤسسات مالی دولتی و بانک‌های خصوصی متعلق به سرمایه‌داران وابسته، منبع اصلی تغذیه مالی ساختار سوداگر وابسته بودند که معاملات

مدار هزینه - فایده حرکت می‌کند و تلاش دارد تا با به حداقل رساندن هزینه‌ها، بازدهی را حداکثر کند و در غیر این صورت، در آزمون بازار رقابتی و در حاکمیت مکانیسم عرضه و تقاضا که قیمت عادلانه تعیین می‌شود، مردود شده و مجبور به توقف خواهد بود. قیمت عادلانه، علامات صحیح به فعالان اقتصادی می‌دهد تا منابع کمیاب را به - نحو بهینه تخصیص دهند، اما در اقتصاد دولتی که رقابت در برابر انحصار و مداخلات دولت در حوزه قیمت‌ها رنگ می‌بازد، منابع نه تنها بر مبنای نیاز واقعی اقتصاد که بازار تعیین‌کننده آنست، تخصیص نمی‌یابد، بلکه ترجیحات دولتی که

ریشه در تعلقات سیاسی دارند و مقدم بر مرجحات ملی می‌باشند، اساس و معیار تخصیص منابع قرار می‌گیرند. از این رو، منابع ثروت ملی به اتلاف کشانده می‌شود و نتیجه اتلاف منابع هم تعمیق شکاف بین فقیر و غنی و توزیع ناعادلانه ثروت است که به سبب افعال عده‌ای در درون حکومت و دولت و وابستگان خارج از حکومت که رشته ارتباطی آنان گره خوردن با رانت‌های دولتی است، ایجاد شده است.

### بحث ۳) رانتیریسیم

از واژه رانت و رانتیریسیم تعاریف متعددی در کتب اقتصادی و اقتصاد سیاسی شده است، اما به اعتقاد بنده، رانت به منزله امتیازاتی است که فرصت‌های برابر را به نفع عده‌ای نابرابر می‌کند و شریطی را ایجاد می‌کند که رانت‌خواران و رانت‌جویان را در موقعیت بهینه برای کسب زر و زور و مقام قرار می‌دهد. گسترده‌گی رانتیریسیم، بستگی به انواع حکومت‌ها و میزان دسترسی آنها به منابع ثروت ملی دارد. به‌طور مثال، اقتصاد تک‌محصولی ما، مصداق یک اقتصاد رانتی است، زیرا متکی به دلارهای نفتی است. این منابع به موجب اصل ۴۵ قانون اساسی همراه با سایر منابع ثروت ملی که جامعه در تولید آنها نقشی نداشته و در حکم انفال است، در اختیار دولت قرار گرفته و یک منبع عظیم رانتی را برای دولت فراهم آورده است. یک مطالعه اجمالی نسبت به پیشینه نفت در اقتصاد ایران، نشان می‌دهد که شریان اصلی اقتصاد کشور از ابتدای تجارت نفت، به‌ویژه پس از ملی شدن صنعت نفت (بخوانید دولتی شدن)،



شرعی، سبب شد تا عده‌ای، از تعقیب انقلابی بی‌ضابطه و بعضاً غیرقابل توجیه مصون ماندند.

بحث (۵) تبلور رانت در اقتصاد سیاسی پس از انقلاب

با پیروزی انقلاب، ساختار حاکمیت سیاسی فروریخت و ساختار اقتصاد بوروکراتیک دولتی با حفظ بافت خود با مصادره کامل بخش خصوصی سوداگر وابسته - و حتی غیروابسته - به ساختار اقتصادی وسیع و پرقدرتی تبدیل شد که حدود ۹۰ درصد از اقتصاد کشور را زیر سلطه گرفت و به تدریج، در جریان تکوین خود، بافت سوداگری جدید و وابسته‌ای را بازتولید کرد که به دلیل پیوندهای سببی و نسبی با مجریان اقتصاد بوروکراتیک حکومتی و دولتی، به سرعت رشد یافت. پیوند نامبارک بورژوازی نوپای دولتی با بورژوازی شبه‌خصوصی تجاری و سوداگر نورسته، اسباب شکل‌گیری کانون‌های پرقدرت اقتصادی - سیاسی را فراهم آورد که در جهت‌دهی تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌های کلان اقتصادی تأثیرگذار بوده و اقتصاد سرمایه‌داری دولتی را پدیدار ساخته است.

ناگفته پیداست که خصوصیت عمده نظام‌های اقتصاد سلطه دولتی، ظهور کانون‌های قدرتمند اقتصادی است که به‌طور آشکار و نهان با بهره‌گیری از رانت‌های دولتی و اطلاعاتی و دسترسی آسان به منابع بانکی، مافیای اقتصادی را شکل می‌دهند. این کانون‌های پرقدرت، به‌مرور، ضمن برخورداری از تسلط قدرت مالی و اقتصادی

**منابع نفتی و سایر منابع ثروت ملی که جامعه در تولید آنها نقشی نداشته و در حکم انفال بشمار می‌روند، به موجب اصل ۴۵ قانون اساسی، در اختیار دولت قرار گرفته و یک منبع عظیم رانتهی را برای دولت فراهم آورده‌اند.**

سوداگری را شکل می‌دادند و منافع سرشاری را صاحب می‌شدند. تداوم این روند به‌نحوی بوده است که سوداگری بازار وابسته، به بوروکراسی دولتی رشوه می‌داده تا از رانت‌های کلان دولتی، خصوصاً در زمینه استفاده از اعتبارات بانکی و انتقال اطلاعات محرمانه قبل از انتشار و اعلام رسمی، استفاده کند. تقریباً ردپای تمام اعضای خاندان سلطنتی رژیم سابق و وابستگان آنها در تأسیسات عظیم اقتصادی ساختار سوداگر بازار وجود داشته است.

بخشی از جناح به‌ظاهر متدین سوداگر بازار نیز به‌دلایلی همچون کسب وجهه مردمی یا تظہیر درآمدهای نامشروع و یا صرفاً اعتقادات مذهبی، از پرداخت وجوه شرعی مضایقه نمی‌کردند که پس از انقلاب ارایه رسید و جوهات



• جان لاک، فیلسوف مالکیت را هفتاد و پنج سال پیش از او شکل داد.



و شرکت‌های دولتی و بورژوازی شبه‌خصوصی، بی‌گمان ریشه در عملکرد اقتصاد سلطه دولتی دارد. به‌طور مثال، رفتار تسهیلاتی بانک‌های دولتی ظاهراً نشان می‌دهد که اعطای وام‌های چند هزار تومانی یا چند میلیونی، مستلزم گذراندن پروسه طولانی تحقیق و بررسی وضعیت اعتباری، مالی و اقتصادی متقاضی و اخذ وثایق

افزون بر مبلغ وام است، اما با وجود این، بعضاً وام‌های هنگفت چند میلیارد تومانی به‌سرعت و براساس اطلاعات ساختگی و شرکت‌های موهوم و بدون وثیقه، به رانت‌خواران و قاچاقچیان که ماهیت مخفی کاری دارند و راه‌های مالیات‌گریزی را نیز نیک می‌دانند، پرداخت می‌شود. و در نتیجه، با افزایش حجم معاملات غیرشفاف رانتی و کاهش حجم بازگانی قانونی از یک‌سو، دولت را از حقوق مالیاتی خود و از سوی دیگر، بخش خصوصی مولد واقعی را از دریافت تسهیلات تولیدی و سرمایه‌گذاری محروم می‌سازند. بدین ترتیب، یکی از خصوصیات

مشترک رانت‌خواران و رانت‌جویان، همانا فرایند مخفی‌کاری و پنهان داشتن میزان ثروت آنان است تا مشمول اصل ۴۹ قانون اساسی که همان مفهوم قانون "از کجا آورده‌ای؟" زمان نخست‌وزیری مرحوم دکتر علی امینی در رژیم سابق را تداعی می‌کند، قرار نگیرند، مضاف آنکه اصولاً در نظام‌های عوام‌گرا، ثروت‌های خصوصی و آنچه در شکل‌گیری این ثروت‌ها نقش داشته، ضدارزش تلقی می‌شوند و لذا صاحبان ثروت‌های مشروع نیز از آشکارسازی ثروتشان بیمناکند. این

خود، با اقتدار کامل، قوانین و مقررات حاکم را دور زده و با کمک ایادی تحت نفوذ خود در لایه‌های میانی مدیریت دولتی و بوروکراسی اداری، موانع قانونی و حقوقی را بدون گذاشتن ردیابی از پیش‌رو برداشته و هزاران میلیارد ریال را از طریق واردات، صادرات، قاچاق، انحصارات دولتی و اعتبارات سخاوتمندانه نظام بانکی، جابه‌جا کرده و موج‌های ناپایدار اقتصادی را در تعاملات جامعه بوجود می‌آورند.

در این شرایط، عرضه و تقاضا در جامعه کاملاً تحت تأثیر این امواج قرار گرفته و بالطبع قیمت کالاها در روند اقتصاد رانتی، هزینه‌های ناعادلانه‌ای را بر جامعه تحمیل می‌کند و فقر و بیکاری، تورم و شکاف طبقاتی را وسعت می‌بخشد که پدیدارشناسی آن جز از طریق شناخت علمی بافتار اقتصادی- سیاسی نظام حاکمیت امکانپذیر نیست.

کشور ما نیز که طی سال‌ها از اقتصاد مسلط دولتی برخوردار بوده است، در مقطعی از حیات خود، عوارض مخرب یادشده را با شدت و ضعف تجربه کرده و از آنها رنج برده است، به‌ویژه ناسازگاری برخی از نهادهای حقوقی و رسمی با اصلاح نظام اقتصاد دولتی، زمینه‌های رشد رانت فسادآور را پدید آورده و پروژه اصلاحات دولتی را که به‌حکم ضرورت تدوین شده، در روند اجرا با موانع عمده و اساسی روبرو ساخته است.

بحث ۶) فساد در اقتصاد سلطه دولتی  
بر این اساس، باید پذیرفت که مفساد اقتصادی و اداری در سازمان‌ها

**در سال‌های پس از انقلاب، پیوند نامبارک بورژوازی نوپای دولتی با بورژوازی شبه‌خصوصی تجاری و سوداگر نورسته، اسباب شکل‌گیری کانون‌های پر قدرت اقتصادی- سیاسی را فراهم آورد که در جهت‌دهی تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌های کلان اقتصادی تأثیرگذار بوده و اقتصاد سرمایه‌داری دولتی را پدیدار ساخته است.**





مادی - در عرصه رقابت آزاد به تعامل می‌پردازد. در این عرصه رقابتی، استعداد‌های ذاتی و بالقوه افراد شکوفا شده و در ارایه بهتر کمی و کیفی کالاها و خدمات ظهور می‌کند و بهای عرضه نیز متناسب با مقدار تقاضا در حد توازن و تعادل مشخص می‌گردد. در چنین فضایی، بدون آنکه ثروت ضد ارزش تلقی شود و خانواده‌های ثروتمند مورد شماتت و نکوهش و تهمت و افترا قرار گیرند و ثروت‌های خود را پنهان و اقتصاد زیرزمینی و در سایه را ترویج دهند، سرمایه‌ها به طور شفاف و بی‌خطر تکثیر شده و در عرصه‌های تولیدی در بخش‌های مختلف اقتصادی نفوذ می‌کنند و موجبات خیزش تولید، صادرات و جذب هرچه بیشتر نیروی کار و سرمایه را فراهم می‌آورند و نتیجه آن هم رشد اقتصادی و افزایش درآمد ملی و دستیابی دولت به حقوق قانونی خود، یعنی مالیات است.

متأسفانه چنین تصویری در یک اقتصاد سرمایه‌داری دولتی رانتی قابل ترسیم نیست، زیرا در اقتصاد رانتی، فرصت‌ها به موقعبیت‌هایی به نفع گروه‌های خاص تبدیل می‌شوند. این گروه‌های خاص را نمی‌توان عضو یک طبقه یا قشر مشخص از جامعه منظور کرد، بلکه آنها از میان اقشار و

**در اقتصاد رانتی، فرصت‌ها به موقعبیت‌هایی به نفع گروه‌های خاص تبدیل می‌شوند. این گروه‌های خاص را نمی‌توان عضو یک طبقه یا قشر مشخص از جامعه منظور کرد، بلکه آنها از میان اقشار و لایه‌های مختلف اجتماع پا گرفته‌اند و ساختارهای رانتی وابسته را تشکیل می‌دهند.**

در حالیست که خاستگاه ثروت‌های مشروع فرایند تولید و بهره‌وری است که در یک نظام اقتصاد پیشرفته صنعتی، یک پدیده ارزشمند محسوب می‌شود. در این کشورها مفاهیمی همچون تولید هرچه بیشتر کالاها و خدمات، خلق فرصت‌های شغلی، افزایش بهره‌وری نیروی کار و سرمایه که اسباب رشد درآمد ملی و درآمد سرانه و ایجاد فرصت‌های برابر برای آحاد جامعه و ارتقای سطح رفاه اجتماعی را فراهم می‌سازند، و همچنین آشکار بودن ثروت‌ها و استقرار فرهنگ مالیات‌دهی، کلاً ارزش‌های واقعی تلقی می‌شوند و نظام اقتصادی این کشورها، تقویت و باروری هرچه بیشتر این ارزش‌ها را با به‌کارگیری شیوه‌های کارآمد در دستور کار خود قرار می‌دهد.

**بحث (۷) ناسازگاری اقتصاد رقابتی با اقتصاد**

**رانتی**

این شیوه‌های کارآمد، جلوه‌هایی از فعل و انفعالات درونی نظام اقتصادی مبتنی بر لیبرالیسم اقتصادی هستند که هر انسان اقتصادی با استفاده از فرصت‌های برابر و بر مبنای استعداد‌های فردی - اعم از فیزیکی، فکری و



می‌کند و به‌رغم آنکه کشور با کمبود سرمایه‌گذاری در صنعت روبروست، معذک سرمایه‌های پنهان از کشور خارج و در جاهای امن جا خوش می‌کنند، یا تبدیل به کالای قاچاق شده و بازار مصرفی ایران را اشباع می‌سازند که آثار تبعی آن بر تولید داخلی و به‌ویژه اشتغال، مخرب و غیرقابل جبران است.

گروه‌های متعدد رانتی در نهادهای دولتی و عمومی و بخش خصوصی سوداگر پراکنده‌اند. هر گروه شیوه عمل و حوزه فعالیت متفاوتی را برمی‌گزیند و به‌دلیل گره‌های محکم اطلاعاتی و ارتباطی با مراکز قدرت، به‌ندرت لو می‌روند، و در صورت لورفتن، هزاران میلیارد ریال سوءاستفاده آنان، سوژه چندروزه‌ای بیش نیست که بر صفحات نخست

به عقیده افلاطون، حکومت نباید مالک چیزی باشد، اما نیازهایش باید از سوی جامعه تأمین شود. این نظریه، درست در تقابل و تغایر با نگاه ژان ژاک روسو و مارکس نسبت به دولت و مالکیت است.

لایه‌های مختلف اجتماع پا گرفته‌اند و ساختارهای رانتی وابسته را تشکیل می‌دهند. این گروه‌های رانتی، به‌دلیل اتصال به قدرت‌های سیاسی و اقتصادی و اطلاعاتی، بیشترین بهره را در فرایند سیاستگذاری‌ها، تصمیم‌گیری‌ها و تخصیص منابع کسب می‌کنند و در پنهان‌کاری اقتصادی و عدم اظهار ثروت‌های برگرفته از فرصت‌های رانتی استاندند. بر این اساس، اقتصاد زیرزمینی را ترویج می‌دهند، به‌نحوی که به‌گفته برخی از کارشناسان، حدود ۴۰ تا ۵۰ درصد اقتصاد ما، اقتصاد پنهان یا خاکستری است که بدون پرداخت مالیات در جریان معاملات هنگفت غیرشفاف و پنهان مرتباً تکثیر می‌شود.

### بحث ۸) عملکرد تخریبی اقتصاد رانتی

از این‌رو، اقتصاد رانتی، نقطه عزیمت فرایند توزیع غیرعادلانه ثروت، گسترش کمی و کیفی فقر، افزایش فاصله فقر و غنا و به‌طور کلی، عدم تحقق اهداف ارزشی یاد شده است که ارکان امنیت ملی را متزلزل می‌سازد و بحران‌های اجتماعی را به‌دنبال می‌آورد و از آنجایی که اقتصاد زیرزمینی، اقتصاد غیرمولد است، لذا دلالی و سوداگری را ترویج و تقویت





روزنامه‌ها نقش می‌بندد و سپس در چم و خم روند طولانی دادرسی‌های دستگاه قضایی، حتی در صورت محکومیت، به تدریج کمرنگ می‌شود، اما یک پرسش برای همیشه مطرح می‌ماند: آیا به‌راستی، اقتصادرانی قادر به انجام اصلاحات از درون خواهد بود؟

#### بحث ۹) چه باید کرد؟

ما قوانین متعددی را در مورد مجازات مجرمان اقتصادی به تصویب رسانده‌ایم و قرار است که جرایم دیگری هم در حوزه تجارت الکترونیک و کاربرد اینترنتی، پولشویی و... تعریف شوند و مورد دیگری بر قوانین کیفری افزوده گردد. نهادهایی همچون پلیس مالی برای کشف جرایم اقتصادی نیز بسیج شده است، اما آیا هیچگاه برای پیشگیری از وقوع جرایم اقتصادی که یکی از شیوه‌های مؤثر آن حذف رانت و گروه‌های رانتی از نهادهای دولتی است، اندیشیده‌ایم؟ یا منتظر مانده‌ایم تا فساد از پرده برون افتد و

آنگاه در مذمت آن و پیگرد فاسد بسیج شده‌ایم؟ متأسفانه در فرایند پیشگیری از بروز و ظهور خطرات و لطمات - چه به‌علت وقوعات مخرب طبیعی و چه ناهنجاری‌های اجتماعی و اقتصادی که جان و مال جامعه را مورد تهدید قرار می‌دهد - ضمن فقدان تجربه کافی، از انگیزه لازم نیز بی‌بهره بوده‌ایم. در نتیجه، خسارات و لطمات حاصله را به‌سختی تحمل می‌کنیم، اما از آن عبرت نمی‌گیریم. به‌هرتقدیر نمی‌توان منکر شد که درخت فساد ریشه دوانده و گروه‌های رانتی در جای‌جای اقتصاد سرمایه‌داری دولتی ما به‌شدت فعالند و در تخصیص منابع و فرایند تصمیم‌سازی‌ها، حداکثر منابع را به خود اختصاص می‌دهند و مسیر توسعه همه‌جانبه را که نهایتاً باید به تأمین حقوق طبیعی و اساسی آحاد جامعه، استقرار رفاه و عدالت اقتصادی و اجتماعی بینجامد، ناهموار می‌سازند. براین اساس، باید پذیرفت که تحقق توسعه فراگیر، زمانی عملی می‌گردد که سیستم رانتی جای خود را به یک سیستم

**قانون‌های  
برخوردار از رانت‌های  
دولتی، به‌مرور زمان، ضمن  
سلطه بر سازمان‌های مالی و  
اقتصادی با اقتدار کامل،  
نظام‌های حقوقی را نیز در  
اختیار خود می‌گیرند.**





1% FREE

● رانت‌خواران و قاچاقچیان، صحنه‌گردانان فضای غیر شفاف و غیررقابتي هستند.



اندام خود با تبعیت و اجرای صحیح سیاست‌های کلی اصل ۴۴ اقدام کند و با دست‌کشیدن از فعالیت‌های اقتصادی و دخالت‌های نامطلوب در این حوزه، به انجام تکالیف و وظایف اصلی یک دولت کلاسیک دموکراتیک بپردازد، دولتي که تأمین امنیت ملی و صیانت از حقوق مالی و جانی و تولید کالاها و خدمات عمومی و دفاع از ملک و ملت در مقابل دشمنان خارجی را برعهده دارد.

توزیع عادلانه ثروت دهد و این امر مستلزم تغییر و تحول بنیادین در ساختار اقتصاد دولتي و دیوانسالاری بزرگ عجین‌شده با مقاصد سیاسی است. طبیعی است که تا زمانی که دولت به منبع اصلی رانت، یعنی منابع نفتی وصل است، پدیده رانت پابرجا خواهد بود، مگر آنکه تدابیر جدیدی در نحوه هزینه‌کرد دلارهای نفتی و اصولاً مدیریت انفال موضوع اصل ۴۵ قانون اساسی از سوی قوه قانونگذاری اندیشیده شود تا برآن اساس، دسترسی رانتي به این منابع ناممکن گردد. آنگاه می‌توان امیدوار بود که دولت ناگزیر درجهت کوچک‌کردن

مآخذ

- (۱) میرزا ملکم خان، رساله اصول مترقی..
- (۲) جان لاک، رساله‌ای درباره حکومت، ترجمه حمید عضدانلو.
- (۳) جامساز، محمود، نفرین منابع، بانک و اقتصاد، بهمن ۸۶.
- (۴) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران..
- (۵) ارمان، کوویلیه، حقوق و جامعه‌شناسی، ترجمه مصطفی رحیمی.
- (۶) سیف، احمد، استبداد و مالکیت و انباشت سرمایه در ایران..

- 7) Hayek Friedrich, 1949, Individualism and Economic Order.
- 8) Wintrobe Ronald, Dictatorship, The Encyclopedia of Public Choice.
- 9) Jeffrey Sachs, Reforms in Eastern Europe and the Former Soviet Union in Light of East Asian Experience, 1995.